

## نقش مدیریت و ارزیابی نقادانه دموکراسی لیبرال فراگیر

کریم رضائی زاده<sup>۱</sup>، مجتبی عسکری<sup>۲</sup>

۱- دکتری مدیریت کسب و کار، دانشگاه تهران

۲- دانشجوی PHD مدیریت منابع انسانی دانشگاه آزاد یاسوج

### چکیده

لیبرالیسم به عنوان مبنای هنجاری نظم جهانی، تا حدودی به خاطر عدم موفقیت در ارائه دموکراسی کافی به جهانی‌سازی معاصر، دچار مشکل شده است. هدف در این مقاله، نقش مدیریت و ارزیابی نقادانه دموکراسی لیبرال فراگیر می‌باشد. در این پژوهش با ارزیابی نقادانه و شالوده‌شکنی به نقد لیبرال دموکراسی (دموکراسی لیبرال) پرداخته شد. نقد و بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایده‌ها و عملکردهای جدید دموکراسی می‌تواند زمینه‌ساز نظم جهانی بعد از لیبرال باشد. برای گشودن فضایی همگن در مورد این مؤلفه با پرسش‌های چالشی می‌توان رویکردی را در نظر گرفت و توسعه داد.

**واژگان کلیدی:** مدیریت، ارزیابی نقادانه، لیبرال دموکراسی فراگیر

## ۱- مقدمه

از جمله مهم‌ترین سؤالات در حوزه حقوق عمومی، نحوه اعمال نظارت بر حکومت و حاکمان می‌باشد. این دغدغه فکری بشری ریشه طولانی دارد و در نتیجه تلاش‌های انجام شده توسط روشنفکران و صاحب‌نظران در این زمینه گسترده است (راعی، ۱۳۹۱). ارائه تصویری مغشوش از نسبت فرد و جامعه باعث ضعف و نارسایی در تعریف ارزش‌های انسانی نظیر عدالت، آزادی، برابری و فضیلت‌های اخلاقی شده است (کاظمی و بوژمهرانی، ۱۳۸۹). نمود مؤلفه‌های ذکر شده، مصداق روشنی از انگاره‌ی لیبرال دموکراسی است. انگاره‌ی دموکراسی مقوله‌ای بنیادی در سپهر اندیشه سیاسی است که همواره دغدغه متفکران و فیلسوفان سیاسی بوده است. از این حیث، در مقایسه و نسبت‌سنجی با انواع حکومت‌های دیگر، می‌توان مدعی شد که گفتمان دموکراسی و مدل‌های معتابه آن، کم و بیش با استقبال چشمگیری مواجه بوده و به آرمانی جهانی تبدیل شده است؛ به نحوی که اکثر کشورها در جهان نظام سیاسی خود را دموکراتیک می‌دانند (پناهی و پولادی، ۱۳۹۷). امروزه دموکراسی و تأسیس آن، مقبولیت جهانی پیدا کرده و از مرزهای علمی و نظری فراتر رفته و وارد عهدنامه‌های گوناگون بین‌المللی گردیده است (جاویدی کلاته جعفرآبادی و مهرمحمدی، ۱۳۸۵). ما در جهان معاصر، با دو نگرش اساسی در مورد حقوق روبه‌رو هستیم: نگرشی براساس فرهنگ دینی و الهی و نگرشی مبتنی بر فرهنگ لیبرال دموکراسی که سیاست را جدای از دین می‌انگارد. در فرهنگ دینی، حق الهی حقی ذاتی است و سایر حقوق از حق الهی سرچشمه می‌گیرد. از این رو، خداوند حقوق و تکالیفی را برای بشر تشریح کرده که در سایه آن، بشر می‌تواند به سعادت و قرب الهی دست یابد. در حالی که نظام لیبرال دموکراسی به دلیل نادیده گرفتن مبدأ جهان هستی مشروعیت همه قوانین به میل و خواست بشری وابسته است و هیچ مرجعی برای داوری به جز عقل بشری وجود ندارد (رحیمی، ۱۳۹۴). از طرفی لیبرالیسم به عنوان مبنای هنجاری نظم جهانی، تا حدودی به خاطر عدم موفقیت در ارائه دموکراسی کافی به جهانی‌سازی معاصر، دچار مشکل است. با این فرض که نحوه عمیق مطالعه دموکراسی جهانی، راه‌هایی را برای فهم و تصویب آن منعکس می‌کند، به ویژه بازآفرینی‌های دموکراسی پس از لیبرال می‌تواند دموها را بازسازی کند، نهادهای غیرمدرن را در خود جای دهد، عدالت را تعمیق بخشد، با سلسله مراتب قدرت ساختاری مقابله کند، بنابراین پیگیری چنین تجربه‌هایی در سطح جهانی فراتر از لیبرالیسم امری حیاتی است (Scholte, 2020). پذیرش اهمیت لیبرالیزاسیون و تقویت لیبرال به صورت واضح و متفاوت در شکل و اندازه‌گیری از دموکراتیزه شدن و تحکیم دموکراتیک اولین گام برای تحقیق بهتر در مورد انواع علیت است که تشکیل‌دهنده و سوق‌دهنده انحلال بیشتر رژیم‌های اقتدارگرا به رژیم‌های لیبرال دموکراتیک می‌باشند. با تأیید اینکه لیبرال در دموکراسی لیبرال برای برخی از مردم غیرقابل قبول است و دموکراسی لیبرال لزوماً به معنی دموکراسی لیبرال آمریکایی نیست، راه زیادی برای آزاد کردن این اصطلاحات از تصورات غلط نژادپرستانه و همچنین روشن کردن تحلیلی آن مانده است (غفاری چراتی و همکاران، ۱۳۹۷). در این راستا، بنابراین هدف از این پژوهش، نقد مقاله "After Liberal Global Democracy: New Methodology For New Praxis" نوشته Jan Aart Scholte در سال ۲۰۲۰ می‌باشد.

## ۲- مبانی نظری

## دموکراسی جهانی: مسئله به‌طور خلاصه

اولین گام در این آزمایش مشخص کردن مسئله است: چرا تأمل در دموکراسی جهانی ضروری است؟ پاراگراف‌های زیر در ابتدا ویژگی‌های کلی اصلی دموکراسی را مشخص می‌کنند و سپس توجه دارند که روش‌های اعمال دموکراسی با گذشت زمان تغییر کرده‌اند. در جامعه امروز، جهانی‌سازی نوعی تحول را ارائه می‌دهد که می‌تواند باعث اختراع مجدد دموکراسی شود، شاید در روند فراتر رفتن از مدل لیبرال دموکراسی که در تاریخ معاصر برتر است. دموکراسی در اینجا به معنای عام از ریشه یونانی demos (مردم) و kratos (قدرت) به معنای "قدرت مردم" قابل درک است. با دموکراسی، یک جمعیتی انسانی به‌طور مشترک شرایط همزیستی خود را شکل می‌دهد. همه افراد تحت تأثیر در تصمیماتی که شرایط و سرنوشت مشترک آنها را کنترل می‌کنند مشارکت لازم را دارند و آنها را کنترل می‌کنند. توجه داشته باشید که با توجه به عام بودن، این برداشت دموکراسی را به یک یا روش دیگر از نظر تاریخی و فرهنگی برای تصویب "قدرت مردم" محدود نمی‌کند. هژمونی لیبرالیسم در تحیل سیاسی مدرن تمایل دارد که دموکراسی را معادل انتخابات دوره‌ای چند حزبی برای نهادهای نمایندگی دولتی، همراه با تضمین‌های آزادی فردی و جامعه مدنی پر جنب و جوش معرفی کند. چنین شیوه‌هایی به هیچ وجه بد نیست: برعکس، لیبرال دموکراسی ممکن است در برخی از زمینه‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای موجب پیشرفت انسان در یک جامعه خوب شود. نکته‌ای که در اینجا باید مورد تأکید قرار گیرد صرفاً این است که لیبرال دموکراسی همان تعریف دموکراسی نیست. در طول زمان و مکان، جوامع روش‌های مختلفی را برای پیگیری "قدرت مردم" پیدا کرده‌اند. دموکراسی ذاتاً لیبرال نیست. این شرایط احتمالی تاریخی اقدامات دموکراتیک خواهان تأکید ویژه در زمان کنونی جهانی شدن سریع است. امروزه جامعه شامل ارتباطات اجتماعی بی‌سپاره بی‌سابقه‌ای است، جایی که تعاملات و وابستگی‌های متقابل بین مردم به‌طور قابل ملاحظه‌ای در عرصه‌های سراسر زمین انجام می‌شود (Scholte 2005). دامنه‌های سیاره‌ای مهم‌تر از همه در ارتباطات، بیماری‌ها، دانش، کالاها، پول، مردم، آلاینده‌ها و خشونت است. در واقع، ذهن معاصر به‌طور کلی "جهان" را "کره زمین" تصور می‌کند. این جهانی شدن چه معنایی برای دموکراسی دارد؟ از این گذشته، نظریه‌ها و عملکردهای رایج در مورد قدرت مردم متمرکز بر کشور-ملت-کشور است. ساختارهای مدرن دموکراسی فرض کرده‌اند: (الف) موقعیت جغرافیایی یک سرزمین محدود (ب) فرهنگ فرهنگی یک جامعه ملی؛ و (ج) موقعیت سیاسی یک دولت مستقل. جهانی‌سازی معاصر این فرمول را به‌طور جدی مختل کرده است. از نظر جغرافیایی، بسیاری از روابط اجتماعی اکنون فرامرزی است. از نظر فرهنگی، انواع پیوسته‌های غیر سرزمینی (به عنوان مثال سن، طبقه، جنسیت و غیره) اکنون به عنوان پایه‌ای برای هویت جمعی، با ملت رقابت می‌کنند. از نظر سیاسی، بسیاری از حاکمیت‌ها اکنون فراتر از ایالت‌ها اتفاق می‌افتند. به‌طور خلاصه، شکل‌گیری مدرن دموکراسی از طریق کشور-کشور-کشور در بهترین حالت ناکافی و در بدترین حالت منسوخ شده است (Scholte 2014 and 2019). جای تعجب نیست، با توجه به این عدم تطابق بین پیش فرض‌های قدیمی و شرایط جدید، بسیاری از مردم در دنیای جهانی امروز احساس بی‌قدرتی می‌کنند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، برخی از ضد جهانیان تلاش کرده‌اند تا با تقویت مرزهای سرزمینی، ایجاد مجدد هویت ملی و تأیید مجدد حاکمیت دولت، دموکراسی را باز یابند. با این حال، منطبق فوق سرزمینی، فراملی و فوق‌العاده جهانی شدن عمیق به این معنی است که این رویکرد می‌تواند تنها به دستاوردهای محدود دموکراتیک دست یابد. همچنین باید فضاهای فراتر از کشور، مردم فراتر از ملت و فرمانداران فراتر از کشور را دموکراتیک کرد. بنابراین، اگر کسی معتقد باشد که دموکراسی سنگ بنای خوب زیستن است - و

گزینه‌های دیگری مانند خودکامگی و تکنوکراسی غیرقابل قبول است- پس لازم است به دنبال فرمول‌های جدید دموکراسی باشید. و در واقع تعدادی از نظریه‌پردازان و فعالان این کار را آغاز کرده‌اند.

### دموکراسی جهانی: پاسخ‌ها تا به امروز

این مقاله به سختی اولین مقاله برای تأمل در مسئله دموکراسی جهانی است. ادبیات دانشگاهی گسترده‌ای از دهه ۱۹۹۰ در مورد آنچه دموکراسی "جهانی"، "سیاره‌ای"، "جهانی"، "جهان وطنی" و "فراملی" خوانده می‌شود، جمع شده است (Archibugi et al. 2012؛ Bray and Slaughter 2015). ایده‌های موجود در این ادبیات را می‌توان در شش دسته گسترده طبقه‌بندی کرد: یعنی جامعه‌گرایی، چندجانبه‌گرایی، فدرالیسم جهانی، دموکراسی ذینفعان جهانی، مشورت جهانی و مقاومت ضد هژمونیک (شولت ۲۰۱۹). با این وجود، با وجود همه تنوع غنی ارائه شده در این چشم‌اندازها، بیشتر تفکرات دموکراسی جهانی تاکنون اسیر یک خیال لیبرال بوده و امکاناتی فراتر از نظم جهانی لیبرال را در نظر نمی‌گیرند. برای تأکید بر یک سلب مسئولیت اساسی، هدف این بحث این نیست که به روشی رادیکال پست مدرنیستی، همه کمک‌های بالقوه لیبرالیسم به دموکراسی جهانی را کنار بگذاریم. مجامع نمایندگی، حاکمیت قانون، بازارهای آزاد، حقوق بشر و جامعه مدنی ممکن است صدا و تأثیر قابل توجهی برای بسیاری از افراد در بسیاری از موقعیت‌های سیاست معاصر جهانی ایجاد کند. با این حال، تحقیق مهم در این مقاله اصرار دارد که آیا با توجه به محدودیت‌های مداوم و ناراضی‌آلود از نظم جهانی لیبرال، لیبرال دموکراسی برای تحقق دموکراسی جهانی کافی است؟ در غیر این صورت، پرسش‌های گسترده‌تری لازم است، اولین رویکرد به تفکر دموکراسی جهانی، جامعه‌گرایی، در واکنش‌های ضد جهانی‌گرایی که قبلاً شرح داده شد، تغییر می‌یابد. استدلال‌های کمونیستی معتقدند که تعیین سرنوشت جمعی فراتر از واحدهای کشور- دولت- ملت غیرممکن است (میلر ۱۹۹۵؛ دال ۱۹۹۹؛ دی وایلد ۲۰۱۱). این رویکرد شکاکانه معتقد است: (الف) فضاها و سیاره‌ای برای کنترل عمومی بسیار بزرگ هستند. (ب) هیچ نسخه نمایشی در سطح جهانی امکان‌پذیر نیست؛ و (ج) نهادهای حاکمیت جهانی نمی‌توانند به اندازه کافی با عناصر تشکیل دهنده زمین ارتباط برقرار کنند. از دیدگاه کمونیستی، جهانی شدن ذاتاً با قدرت مردم در تضاد است و راه تحقق مجدد دموکراسی در جامعه معاصر این است که اتصال اجتماعی سیاره‌ای به عقب برگردد و کشورهای ملی مستقل و مرزی را دوباره زنده کند. به‌طور ضمنی، بیشتر تفکرات کمونیستی فرض می‌کنند که دموکراسی فقط می‌تواند شکل لیبرالی (مثلاً دولت نماینده، حقوق بشر، جامعه مدنی و حاکمیت قانون) به خود بگیرد و چنین دموکراسی لیبرال فقط در محدوده کشورها و کشورها وجود دارد. تا این حد، جامعه‌گرایی یک چشم‌انداز پس از لیبرال نیست. برداشتهای چند جانبه از دموکراسی جهانی حاکی از آن است که با همکاری بین دولت‌های ملت دموکراتیک می‌توان به قدرت مردم در امور خارج سیاره دست یافت (Moravcsik 2004؛ Keohane et al. 2009). با استفاده از این فرمول، راه دموکراسی در سیاست جهانی جهانی‌سازی دموکراسی لیبرال در همه کشورهای جهان است. با تأمین امنیت نهادهای لیبرال در داخل، یک دولت می‌تواند به عنوان نیروی دموکراتیک مردم خود در سازمان‌های بین دولتی (IGO) که سیاست‌های جهانی جهان در آن ساخته می‌شود، عمل کند. این IGO ها وقتی مشارکت مناسب و پاسخگویی را نسبت به کشورهای عضو دموکراتیک-کشورها ارائه می‌دهند، خود دموکراتیک هستند. با این حال، مشترک با چشم‌اندازهای کمونیستی، تصورات چند جانبه‌گرایی فرض می‌کنند که دموکراسی در وهله اول از کشور ملی ارضی لیبرال مدرن ناشی می‌شود. چند جانبه‌گرایی متعارف نیز هیچ چارچوبی پس لیبرالی ندارد.

رویکرد سوم، فدرالیسم جهانی، نشان می‌دهد که دموکراسی جهانی می‌تواند با معرفی مستقیم نهادهای لیبرال دموکراتیک در سطح سیاره‌ای ساخته شود. از این منظر، دموکراسی جهانی با تصویب دولت نماینده جهانی در سطح جهانی، حقوق بشر در مقیاس جهانی، شهروندی در مقیاس جهانی و جامعه مدنی در مقیاس جهانی تحقق می‌یابد (Cabreria 2010؛ Tännjö 2008). از این رو، فدرالیست‌های جهان از پیشنهادات مجامع پارلمانی جهانی، ابتکارات ایجاد احزاب سیاسی جهانی، توسعه ماشین‌آلات حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی (سازمان غیردولتی) آژانس‌های حاکمیت جهانی استقبال می‌کنند (اشتراوس ۲۰۰۵؛ پاتوموکی ۲۰۱۱). با این حال، در حالی که فدرالیسم جهانی با جابجایی لیبرال دموکراسی فراتر از کشور-ملت-کشور، جهشی خلاقانه به دست می‌آورد، این رویکرد از یک حرکت هنوز تغییر شکل‌دهنده‌تر، فراتر از خود لیبرال دموکراسی، عقب می‌ماند.

نوآوری دیگر و عمدتاً اخیر، دموکراسی ذینفعان جهانی، اصول لیبرال را از کشوری به سطح سیاره دیگر افزایش می‌دهد. با این حال، به جای فرمول جهانی فدرالیستی سیاست‌های پارلمانی جهانی، سهامداری یک روش متفاوت برای دستیابی به نمایندگی دموکراتیک در حاکمیت جهانی را پیشنهاد می‌کند (Hallström and Boström 2010؛ Raymond and DeNardis 2015؛ Gleckman 2018). در ابتکارات موسوم به چند سهامدار، نهادهای تصمیم‌گیرنده در حاکمیت جهانی شامل مواضع نه تنها برای دولت‌ها، بلکه همچنین برای سایر بخش‌ها مانند تجارت و سازمان‌های غیردولتی است که ممکن است "در این موضوع مشارکت داشته باشند". نمونه‌هایی از نهادهای چند سهامدار شامل سازمان بین‌المللی کار (ILO)، شورای نظارت بر جنگل (FSC) و شرکت اینترنتی برای نام‌ها و شماره‌های اختصاص یافته (ICANN) است. با این وجود، هرچند که این ساختارهای نهادی بدیع باشد، مفهوم اساسی آنها با ایده‌های لیبرال تصمیم‌گیری نماینده، حقوق بشر، اقتصاد بازار و یک جامعه مدنی فعال درگیر است. دموکراسی ذینفعان جهانی پسا ملی است، اما پس از لیبرال نیست.

بازنگری بیشتر در مورد دموکراسی برای جهانی جهانی بیشتر بر روی مشورت متمرکز شده است (دریزک ۲۰۰۶؛ اسمیت و براست ۲۰۰۸؛ استیونسون و دریزک ۲۰۱۴). این ایده‌ها درباره بحث عمومی کمتر از سه رویکرد قبلی انحراف دارد و بیشتر مکمل آنهاست. دموکراسی مشورتی حاکی از آن است که وقتی تصمیمات سیاسی از طریق بحثی باز، فراگیر و منطقی میان شهروندان درگیر، اطلاع می‌یابد، قدرت مردم عمیق‌تر می‌شود. دموکراسی مشورتی جهانی این اصل را فراتر از سیاست ملی و سیاره‌ای می‌گیرد، به عنوان مثال در مجمع اجتماعی جهانی یا در اجتماعات جامعه مدنی در کنار کنفرانس‌های IGO. با این حال، یک بار دیگر، این نظریه‌پردازی مبتکرانه بر پایه‌های لیبرال بنا شده و از زیر سؤال بردن آنها باز می‌ایستد. عرصه‌های رایزنی مکمل فرایندهای نمایندگی، پذیرش حقوق بشر، بزرگداشت نقش جامعه مدنی و تأیید حاکمیت قانون است.

سرانجام، در این شش نوع دیدگاه اصلی موجود در مورد دموکراسی جهانی، ایده‌های مقاومت ضد سلطه‌گری حاکی از آن است که هنگامی که جنبش‌های اجتماعی برای براندازی سلطه و تبعیت تلاش‌های آزادی‌خواهانه را دنبال می‌کنند، قدرت مردم در سیاست جهانی حاصل می‌شود (آمور ۲۰۰۵، اسمیت و همکاران ۲۰۰۷). برداشت‌های مقاومت از دموکراسی جهانی قلب تحرکاتی مانند تحریم شرکت‌های جهانی را از دهه ۱۹۷۰، نبرد سیاتل در سال ۱۹۹۹، اشغال تحصن در طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ و (براساس برخی تفاسیر) Brexit در سال ۲۰۱۶ گرفته است. با این حال اغلب این جنبش‌ها در عمل به شکست لیبرال دموکراسی حمله کرده‌اند نه خود دموکراسی لیبرال: یعنی این منتقدان خواهان دموکراسی نمایندگی بهتر، انطباق بیشتر با حقوق بشر و تأثیر بیشتر جامعه مدنی در حاکمیت جهانی

هستند. حتی در مواردی که تفکر مقاومت در برابر دموکراسی جهانی هدف نظم هنجاری لیبرالیسم را گرفته است، گزینه‌های احتمالی عموماً توسعه نیافته‌اند. به عنوان مثال، "عدالت شناختی" (De Sousa Santos 2007)، یک امت احیا شده (الغزالی ۲۰۰۱) و "دموکراسی زمین" (شیوا ۲۰۰۵) دقیقاً شامل چه مواردی در عمل عینی و طراحی نهادی است؟

بنابراین، ۲۰ سال تحقیق در مورد دموکراسی جهانی، ایده‌ها و ایده‌های گسترده‌ای در مورد قدرت مردم در سیاست‌های سواره‌ای تولید کرده است. طبقه‌بندی شش‌گانه‌ای که در اینجا ارائه شده است، بدیهی است که یک ساده‌سازی است و بسیاری از کارهای فردی در مورد دموکراسی جهانی شامل چندین روش است. هنوز هم این بررسی به اثبات رسیده است که با وجود همه تنوع و نوآوری، تحقیقات آکادمیک تا به امروز از تجدید نظر عمیق‌تر در دموکراسی فراتر از لیبرالیسم جلوگیری کرده است. چه چیزی می‌تواند این محدودیت‌ها را در خلاقیت به حساب آورد؟ به‌طور خاص، آیا جنبه‌هایی از روش تحقیق وجود دارد که دامنه دانش تولید شده را محدود کرده است؟

### مواد روش‌شناسی

اگر تعاریف اساساً محصولی از بافت آنها باشد، مهم این است که چه کسی و چگونه دفاع می‌کند. در مورد "چه کسی"، مشارکت در (و حذف آن) در یک تمرین ساخت دانش، تصورات حاصل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مورد "چگونه"، فرآیند تخریب-روشی که مفهوم‌سازی انجام می‌شود-ایده‌های حاصل را شکل می‌دهد.

در مورد مفهوم دموکراسی جهانی نیز چنین است. چه کسی دقیقاً معنی این مفهوم را تعیین می‌کند و چگونه این دانش را تولید می‌کند؟ محققان مختلف با استفاده از فرآیندهای تحقیق مختلف می‌توانند درک‌های مختلفی از دموکراسی جهانی ایجاد کنند. روش‌شناسی مهم است.

از این رو، باید سؤال کنیم: تحت چه شرایطی تصورات موجود در مورد دموکراسی جهانی پدید آمده است؟ به‌طور خاص، آیا شرایط تولید دانش وجود دارد که ایده‌های حاصل را مستلزم شکل‌های عمدتاً لیبرالی (و نه سایر موارد) باشد؟ آیا انحراف عمده از آن شرایط روش شناختی می‌تواند ایجاد بینش‌های جدید و متفاوت پس از لیبرال را ترغیب کند؟

با نگاهی به تألیف در مورد دموکراسی جهانی تا به امروز، دارای پایه‌های کاملاً باریک ژئوپلیتیک، فرهنگی، انضباطی، بخشی و اجتماعی بوده است. از نظر جغرافیایی، بیشتر کارها از سایت‌هایی در آمریکای شمالی و اروپای غربی نشأت گرفته است، از مناطق دیگر جهان کم یا هیچ‌گونه ورودی. از نظر فرهنگی، فرمول‌های موجود در مورد دموکراسی جهانی تقریباً منحصرراً در چارچوب مدرن غربی ایجاد شده‌اند، با آگاهی اندک یا هیچ‌گونه آگاهی از -از جهان‌های دیگر زندگی- یا چه درگیر آن، آگاهی کافی دارند. از نظر فکری، تأملات آکادمیک در مورد دموکراسی جهانی عمدتاً از حوزه تئوری سیاسی حاصل شده است و سهم کمی از سایر رشته‌ها دارد. از نظر مقطعی، تحقیقات در مورد دموکراسی جهانی با مشارکت ناچیز پزشکان در تجارت، جامعه مدنی، رسانه‌ها، محافل رسمی و فنی، در بخش‌های آکادمیک درون‌نگر صورت گرفته است. از نظر اجتماعی، بیشترین استدلال‌های منتشر شده در مورد دموکراسی جهانی از مردان سفیدپوست حرفه‌ای و میانسال شهری- کلاشهر توانمند بدست آمده است.

به‌طور خلاصه، تولید دانش در مورد دموکراسی جهانی تاکنون بیشتر در محله‌های کاملاً محدود انجام شده است. به علاوه، این محافل در بیشتر قسمت‌ها شامل مکان‌های امتیاز و قدرت هستند: مناطق مسلط، فرهنگ‌های مسلط، گروه‌های اجتماعی غالب. آیا تصادفی است که برداشت‌های لیبرال از دموکراسی جهانی با این شرایط پدید آمده

است؟ آیا می‌توانیم پس از آنکه نظریه‌پردازان لیبرال متمایل به آن هستند، چنان متواضعانه رفتار کنیم که این ایده‌ها از یک «طبیعت انسانی» جهانی صحبت کنند؟ برعکس، آیا نمی‌توان زمینه‌های اولیه‌ای برای تحقیق در مورد اینکه آیا ایده‌های لیبرال از دموکراسی جهانی مصنوعات هژمونی است وجود دارد؟

در این حالت، ما می‌توانیم تعجب کنیم که آیا ساختارهای لیبرال دموکراسی جهانی طنین‌انداز است - یعنی به عنوان یک واقعاً دموکراتیک - برای همه، یا حتی بیشتر مردم جهان تجربه خواهد شد (ر.ک: Held and Patomäki 2006). در واقع، قابل توجه است که مبارزات مشخص برای قدرت مردم در سیاست جهانی به ندرت از ادبیات دانشگاهی لیبرال استفاده می‌کنند. برعکس، مبارزان اصلی اغلب ایده‌های چندجانبه‌گرایی، فدرالیسم جهانی، سهامداری جهانی و دموکراسی مشورتی را با بدبینی دریافت می‌کنند. حداقل این تجربه نویسنده حاضر از صدها مصاحبه با فعالان دموکراسی در سراسر کره خاکی بوده است (Scholte 2004).

بنابراین دعوت برای امتحان یک چیز متفاوت است: طرح روش‌های جایگزین برای ایجاد ایده در مورد دموکراسی جهانی. شاید فرآیندهای تولید دانش بازسازی شده هنوز یک چارچوب تا حد زیادی لیبرال داشته باشد - و بدین ترتیب ادعاهای این چشم‌انداز در مورد جهانی بودن را تأیید می‌کند. با این حال، متدولوژی‌های متضاد ممکن است در عوض چیزهای متنوعی ایجاد کنند - و شاید برای دنیای جهانی امروز جذاب‌تر نیز باشند. با توجه به اینکه خطرات این امر درگیر آینده‌ای از دموکراسی نیست، حداقل تحقیق در مورد روشی جایگزین مهم به نظر می‌رسد.

با این الهام، می‌توان شرایط اصلی تولید دانش در مورد دموکراسی جهانی را با سه اصل تنوع، تجزیه و تحلیل و عملی به چالش کشید. تنوع به معنای حرکت از نویسندگی باریک به گسترده است. تجاوز به معنای حرکت از سهل‌انگاری به هوشیاری در مورد موقعیت است. Praxis شامل حرکت از آکادمی جزیره به سیاست درگیر است. آیا ممکن است چنین ویژگی‌هایی - که به طرز شگفت‌انگیزی در روش‌های ثابت نظریه دموکراسی جهانی وجود ندارد - ایده‌های مختلفی ایجاد کند؟

برای توضیح بیشتر در مورد اصل تنوع، بورس تحصیلی برای دموکراسی جهانی تاکنون، همان‌طور که قبلاً دیده شد، به طرز شگفت‌انگیزی صدای بیشتری را از آنچه در آن بود حذف کرده است. در مقابل، یک روش جایگزین می‌تواند پوشش جامع‌تری را دنبال کند، جایی که دسترسی معادل مکالمات در مورد دموکراسی جهانی برای همه مناطق جهان، تمام روش‌های زندگی، همه رشته‌های دانشگاهی، همه مشاغل و همه گروه‌های اجتماعی جستجو می‌شود. بنابراین، به عنوان مثال، فرد می‌خواهد از جنوب جهانی، از معرفت‌شناسی دینی، از علوم انسانی، از فعالان، از زنان حرف بیشتری برای گفتن داشته باشد. مطمئناً، یک بحث کاملاً فراگیر و غیر سلسله‌مراتبی غیرقابل تحقق است. با این حال، مطمئناً بحث‌های دموکراسی جهانی می‌تواند مشارکت بسیار گسترده‌تری از آنچه تاکنون در مورد تئوری لیبرال مشاهده شده، داشته باشد.

در مورد قابلیت اطمینان، مطالعات دموکراسی جهانی که قبلاً مرور شد به ندرت شامل آگاهی صریح و موضع‌گیری انتقادی نسبت به موقعیت است. به عبارت دیگر، نظریه‌پردازان و فعالان مورد بحث صریحاً زمینه خاص خود را - از کجا می‌آیند - شناسایی نمی‌کنند و پیامدهای آن را برای نحوه فهم جهان پیش زمینه می‌کنند. در عوض، و با نادیده گرفتن مفروضات جهانی‌گرایانه لیبرالیسم مدرن، نویسندگان اصلی در مورد دموکراسی جهانی به‌طور کلی تصور می‌کنند که آنها حقایقی را بیان می‌کنند که فراتر از تاریخ و فرهنگ است. در مقابل، ارجاع‌پذیری از محققان می‌خواهد که در مورد خود و روابطشان با جامعه و ساختارهای قدرت آن، تأمل اساسی کنند (Giddens 1984):

Bourdieu and Wacquant 1992). افزایش آگاهی از موقعیت، به دانشمندان رجعی ظرفیت بیشتری می‌دهد تا در مورد خود و نظم اجتماعی خود آگاهانه و تحول پذیر عمل کنند. چنین حساسیت‌هایی می‌تواند امکانات توسعه مفاهیم بدیع پس از لیبرال از دموکراسی جهانی را افزایش دهد.

در مورد پراکسیس، دانش لیبرال موجود در مورد دموکراسی جهانی، همان‌طور که قبلاً فهرست شده است، به‌طور کلی در محوطه‌های دانشگاهی بسته‌بندی شده، جایی که محققان حرفه‌ای عمدتاً با سایر محققان حرفه‌ای درگیر بوده‌اند و برای آنها نوشته شده‌اند، فرموله شده است. این قیود ممکن است باعث شود دانشمندان به‌طور ناآگاهانه‌ای در مورد شرایط عینی سیاست جهانی که تحقیقات آنها برای حل آنها است، مطلع شوند. نظریه‌پردازان هنجاری در برج‌های عاج می‌توانند کاملاً از روندهای حاکمیت واقعی و مبارزات سیاسی جدا شوند. در مقابل، پراکسیس دانشگاهیان را در تعامل شدید با غیردانشگاهی قرار می‌دهد، همان‌طور که در انجمن‌های جامعه مدنی، سازمان‌های تجاری، گروه‌های متخصص، جنبش‌های مردمی، شبکه‌های رسانه‌ای، محافل رسمی و احزاب سیاسی یافت می‌شود. ایده‌های آکادمیک دموکراسی جهانی ممکن است مستقیماً با خواسته‌ها و نیازهای واقعاً تجربه شده مردم صحبت کند. دانشمندان همچنین ممکن است نسبت به استفاده عملی احتمالی از دانشی که فرموله می‌کنند، هوشیارتر باشند. از این رو Praxis ممکن است به محققان اجازه دهد تا به‌طور مؤثرتری دموکراسی جهانی را که ادعا می‌کنند می‌خواهند پیش ببرند (رجوع کنید به: Scholte 1993؛ Schepher-Hughes 1995). همان‌طور که Sue Sohng بیان کرده است، "نتیجه این نوع فعالیت دانش زنده است که ممکن است به عمل تبدیل شود" (۱۹۹۷: ۶۲). به‌طور خلاصه، جستجوی مفهوم جدید دموکراسی جهانی می‌تواند شروع به کار با روش‌های جدید باشد. اصول گوناگونی، قابلیت اطمینان و عملی می‌تواند تحقیقات در مورد دموکراسی جهانی را کاملاً متفاوت از آنچه در سایر مطالعات تاکنون مشاهده شده است، قرار دهد. چگونه ممکن است چنین رویکردی در عمل پیاده شود؟ و آیا این تمرین می‌تواند بینشی مبتکرانه پس از لیبرال در مورد قدرت مردم در یک جهان جهانی داشته باشد؟

### ایجاد دموکراسی جهانی: آزمایشی در روش جایگزین

با الهام از نگرانی‌ها و پیشنهادهای مطرح شده در بالا، برنامه (BGD 2014-2014) روش‌های مختلفی را برای توسعه ایده‌ها در مورد دموکراسی جهانی آزمایش کرد. طی شش سال، این برنامه پنج پروژه را برای بررسی تفکر جدید درباره قدرت مردم در سیاست جهانی برگزار کرد. این پروژه‌ها به ترتیب جنبه‌های مفهومی، آموزشی، نهادی، اقتصادی و فرهنگی دموکراسی جهانی را بررسی کردند. هر پروژه شامل یک گروه مختلف از افراد بود که در کل ۱۶۰ نفر بودند. هماهنگی در بین پنج پروژه توسط گروهی متشکل از ده نفر انجام شد.

نتایج مشخص آزمایش BGD در جای دیگری منتشر شده است (به عنوان مثال Scholte 2015؛ Scholte et al. 2016؛ Scholte آینده). نگرانی مقاله حاضر کمتر به نتایج خاص و بیشتر مربوط به روند تحقیق BGD و پیامدهای آن است. پاراگراف‌های زیر نشان می‌دهد که BGD چگونه اصول تنوع، قابلیت اطمینان و عملی را اجرا می‌کند، در حالی که بخش ششم مقاله نحوه تأثیر این رویکرد جایگزین بر دانش حاصل از دموکراسی جهانی را بررسی می‌کند.

#### • تنوع

با یک اصل راهنمای تنوع، BGD آرزو داشت فضایی را باز کند که در آن همه و همه طرف‌ها می‌توانند دسترسی داشته باشند و احساس امنیت کنند تا در مورد ایده‌های خود در مورد قدرت مردم در سیاست‌های جهانی صحبت کنند



یا اگر صحبت نکنند). تنوع در بین ۱۶۰ شرکت‌کننده در پروژه BGD دارای ابعاد متعددی بود. از نظر آکادمیک، مشارکت در این برنامه در سراسر علوم اجتماعی و انسانی بود. از نظر جغرافیایی، پروژه‌های BGD همیشه شرکت‌کنندگان از ده منطقه جهان را به نسبت مساوی، از جمله از مکان‌های غافل شده مانند ایالات کوچک جزیره، ترکیب می‌کردند. از نظر فرهنگی، BGD افرادی را با جهان‌های مختلف زندگی، شیوه‌های زندگی و سبک زندگی - یعنی افرادی که در ذهنیت‌های مختلف و همچنین مکان‌های مختلف سرزمینی زندگی می‌کنند، گرد هم آورد. از نظر زبان‌شناسی، این برنامه مطالب اصلی خود را به زبان‌های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، هندی، پرتغالی، روسی و اسپانیایی منتشر کرد. از نظر اجتماعی، BGD تعادل جنسیتی را در همه فعالیت‌ها حفظ می‌کرد و به‌طور مداوم در بین نسل‌ها و نژادها، و همچنین دهانه‌های مختلف در سراسر قشرها، کلاس‌ها، توانایی‌های مختلف و جهت‌گیری‌های جنسی وجود داشت. از نظر مقطعی، مشارکت در فعالیت‌های BGD تقریباً با توزیع ۵۰/۵۰ بین دانشگاهیان و محافل غیر روحانی (در مشاغل، جامعه مدنی، رسانه‌ها، نهادهای حاکمیتی و احزاب سیاسی) کاهش یافت. از نظر ایدئولوژیک، گروه‌های بحث BGD انواع مختلفی از دیدگاه‌های سیاسی مذهبی و سکولار را در بر می‌گرفت. از این طریق، BGD فراتر از تحقیقات لیبرال در مورد دموکراسی جهانی از نظر قرار دادن موقعیت‌های مختلف در گفتگو با یکدیگر بود.

این تنوع چندوجهی در تمام جنبه‌های برنامه BGD گنجانیده شده است. به عنوان مثال، این ده دعوت‌کننده از هشت رشته دانشگاهی، ده منطقه جهان و هشت زبان مادری خبر می‌دهد. چارچوب‌های فرهنگی و عقیدتی آنها شامل تفکر کنفوسیوسی، پراکسیس گاندی، دانش بومی، لیبرالیسم، اسلام، پسا استعمار و مدرنیسم روسی بود. به همین ترتیب، هر یک از پنج کارگاه BGD، همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان اظهار داشت، دارای کیفیت "رنگین کمان"، با "فرهنگ‌ها، رنگ‌ها و استانداردهای زندگی متفاوت" بود (ریو ۲۰۱۱). تنوع همچنین در ساخت پایگاه داده BGD پیش فعالانه دنبال می‌شد، که در نهایت ۶۶۰۰ نفر را در ۱۶۲ کشور در طیف گسترده‌ای از گروه‌ها و بخش‌های اجتماعی گسترش داد.

برخلاف کارگاه‌های جریان اصلی تئوری سیاسی، که معمولاً در شمال کره جنوبی برگزار می‌شود، بحث‌های BGD در مکان‌های جهانی در قاهره، دهلی، ریودوژانیرو، پرتوریا / تشوان و دویسبورگ تشکیل می‌شود. هر رویداد شامل تعاملات با گروه‌های محلی در کنار جلسات کارگاه بود. علاوه بر این برای تشویق گفتگوهای متنوع، نویسندگان مقاله همیشه از موقعیت‌های مختلف منطقه‌ای، فرهنگی، بخشی، اجتماعی و / یا ایدئولوژیک نوشته می‌شدند تا موقعیت خود. علاوه بر این، کارگاه‌ها با توجه به تشریفات عملکرد، مدیریت زمان، چیدمان فضایی و حتی دمای محیط با چابکی کار می‌کردند تا انتظارات متفاوت شرکت‌کنندگان را برآورده کنند.

نتایج حاصل از بحث‌های مختلف BGD نیز با هدف ارتقا دسترسی برای مخاطبان مختلف طراحی و پخش شد. علاوه بر نوشته‌های دانشگاهی، پروژه‌های BGD مصاحبه مطبوعاتی، بحث‌های رسانه‌های اجتماعی، فیلم‌ها و جعبه ابزارهای فعال را ایجاد کردند. علاوه بر این، صفحات اصلی وب سایت BGD، خلاصه مقاله و خلاصه مقاله کارگاه به هشت زبان فوق‌الذکر ترجمه شد. دعوت‌کنندگان BGD با سه مجمع اجتماعی جهانی، سازمان‌های متعدد جامعه مدنی، دولت‌های مختلف ملی و آژانس‌های بین دولتی، جوامع فقیرنشین در ریودوژانیرو و بسیج مردمی برای دموکراسی جهانی مانند رأی دادن و اشغال خود درگیر شدند.

با این اولویت جامع برای تنوع، BGD تلاش کرد تا از قالب محدودی که تحقیقات دموکراسی جهانی لیبرال را مشخص کرده است، خارج شود. هیچ گفتگوی دیگری در مورد قدرت مردم در سیاست جهانی به این عمدی، سیستماتیک و عمیق شامل مناطق بیشتر، فرهنگ‌های بیشتر، رشته‌های بیشتر، بخش‌های بیشتر، موقعیت‌های اجتماعی بیشتر و اقلان سیاسی بیشتر نبوده است. همان‌طور که بعداً توضیح داده شد، این پرورش تنوع در واقع دانش دیگری از دموکراسی جهانی دارد.

• بازتاب

در کنار تنوع، دومین سنگ بنای متدولوژیکی متمایز برای پیگیری BGD در ایجاد سازه‌های بازتر و جستجوی دموکراسی جهانی، مهارت‌پذیری بود. این موضع‌گیری مورد تشویق قرار گرفت تا شرکت‌کنندگان برنامه کاملاً از مواضع خود در مقابل تنوع مختلفی که در پروژه‌ها جمع شده‌اند آگاه باشند. به‌طور مداوم از حاضران خواسته می‌شد که بپرسند، "موقعیت من چگونه بر تفکر من درباره دموکراسی جهانی تأثیر می‌گذارد؟" مشارکت‌کنندگان به‌طور مداوم فرض‌های خود را در مورد جهانی بودن و دموکراسی صریح و روشن برای خود و سایر عوامل معرفی می‌کنند. حتی اصطلاحات "جهانی" و "دموکراسی" از طریق کارگاه‌های مختلف مورد بازجویی جدی قرار گرفتند. بنابراین، فعالیت‌های BGD در نظر گرفته شد که لحظاتی از بررسی دقیق درون‌نگرانه باشند که می‌تواند راه را برای تفکر جدید در مورد دموکراسی جهانی باز کند.

همچنین با توجه به روحیه رجوع، اولویت بالایی در بحث‌های BGD در مورد ایجاد تنوع در نظر گرفته شد. اخلاق کارگاه بر شناخت، احترام به گوش دادن، گوش دادن به او، یادگیری از او و تغییر آن توسط دیدگاه‌های متفاوت در مورد قدرت مردم در امور جهانی تأکید کرد. "گوش دادن عمیق" در محیط BGD شامل توجه متمرکز، دقیق و صبوری است که حداکثر تلاش برای شنیدن، همدردی با آنها، دریافت از آنها و پاسخ به نظرات و تجربیات دیگران را دارد. بنابراین BGD نه تنها، مثلاً اسلام‌گرایان و فعالان LGBT + را به همان اتاق آوردند، بلکه از افرادی با موقعیت‌های ظاهراً غیرقابل مقایسه به‌طور جدی برای مبادله با یکدیگر دعوت کردند.

علاوه بر این، تأکید بر رجوع باعث شد تا روند دادرسی BGD توجه ویژه‌ای به ارتباطات بین دانش و قدرت داشته باشد. این برنامه تشخیص داد که تنوع دیدگاه‌هایی که همکاران در کارگاه‌های آموزشی ابراز داشتند، تا حدی منافع سیاسی- و گاه درگیری آنها- را تا حدودی رد می‌کرد. دیدگاه یک فرد در مورد دموکراسی جهانی اغلب مزایای مادی، ایدئولوژیکی و موقعیتی را که ممکن است از آن رویکرد بدست آورند، نفی می‌کند. BGD با تأکید بر این پیوندهای دانش / قدرت، شرکت‌کنندگان را ترغیب می‌کند تا دیدگاه‌هایی از دموکراسی جهانی را که به بهترین وجهی در خدمت مبارزات سیاسی آنها باشد، بسازند، حتی اگر این جهت‌گیری فکر آنها را از الگوی لیبرال مسلط دور کند.

نگرانی‌های شدید در مورد پیامدهای زمینه و قدرت، دعوت‌کنندگان BGD را به توجه مستمر و کاملاً کامل به فرآیند سوق داد. همه موارد از جمله سؤالات اصلی برنامه و مضامین اصلی پروژه به‌طور منظم مورد بازنگری قرار می‌گرفت و در موارد مختلف مورد بازنگری قرار می‌گرفت. جزئیات کامل در مورد تدوین، اجرا و بازبینی برنامه، از جمله از طریق وب سایت BGD و یک خبرنامه سه ماهه، به منظور دعوت از نظارت و چالش ناظران، به اطلاع عموم رسید. در پاسخ به چنین بازخورد انتقادی، چندین چارچوب و عنوان پروژه تغییر یافت، تعدادی از شیوه‌های کارگاه تنظیم شد، بودجه‌های مختلف تخصیص یافت و چندین نوع خروجی جدید نیز طراحی شد.

حق بیمه در مورد رجوع، معمولاً پرونده‌های BGD را نسبت به سایر کارهای دانشگاهی در مورد دموکراسی جهانی، وقت گیر و دست و پا گیرتر می‌کند. هنگامی که کمتر اصول اصلی را بررسی کنید، تولیدات سریع‌تر انجام می‌شوند. با این وجود، BGD در نظر داشت که استعداد عمیق می‌تواند دانش دموکراسی جهانی را پرورش دهد که برای امکانات جدید بازتر است و با شرایط واقعی زندگی مردم سازگارتر است. این بدان معنا نیست که دیگر تحقیقات دموکراسی جهانی (عمدتاً لیبرال) کاملاً غیرانتفاعی بوده است. با این حال، این کار با اصرار مشابه راه‌های شکل دادن به زمینه و قدرت دانش را بررسی نکرده است.

### • Praxis

به عنوان سومین تضاد روش‌شناختی با بیشتر تحقیقات موجود در مورد دموکراسی جهانی، BGD عملی را استناد می‌کند. بنابراین، تأکید بر بیان فصیح برای عملکرد آکادمیک نبود، بلکه بر دانش بنیادی برای تأثیر سیاسی تأکید داشت. اگرچه BGD از ادبیات علمی سهم مهمی گرفت، اما این برنامه بیشتر به آنچه دیگران "فعالیت تحقیق-تحقیق" (Brown 2001)، "اقدام پژوهی" (Reason and Bradbury 2008) و "prakademics" (Posner 2009) گفته‌اند، بیشتر متکی بود.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، مشارکت در پروژه‌های BGD به‌طور مساوی بین دانشمندان حرفه‌ای و پزشکان غیردانشگاهی تقسیم شد. در هر گوشه، این برنامه گفتگوی بین بخشی را برجسته می‌کند: در بیان سؤالات تحقیق؛ در توسعه طراحی تحقیق؛ در جمع‌آوری و تفسیر شواهد؛ در آماده‌سازی خروجی‌ها در توزیع و استفاده از اهداف مالی و در ارزیابی‌های بعدی پروژه. اخلاق تحقیق مشترک و خلاقیت متقابل در سطوح مختلف علمی بود.

به‌طور دقیق‌تر، گروه دعوت BGD متشکل از محققان عمل‌گرا بود که در کنار و بورس تحصیلی خود نیز به عنوان فعالان جامعه مدنی، قانون‌گذاران، مفسران رسانه‌ای و مشاوران سیاست کار می‌کردند. به‌طور مشابه، محققان مشارکت‌کننده در پنج پروژه BGD به‌طور کلی با سیاست جهانی خارج از دانشگاه ارتباط نزدیک داشتند. چندین مقاله BGD بین یک محقق و یک پزشک مشترک تألیف شده‌اند (آنا و هالاپوا ۲۰۱۱؛ برادلو و مولوکان ۲۰۱۱). پاسخ‌دهندگان غیر روحانی در کارگاه‌های BGD پیامدهای سیاسی پیشنهاددهای دموکراسی جهانی را تا حدی آگاهانه‌تر از آنچه دانشگاهیان حرفه‌ای معمولاً تمایل ندارند و قادر به انجام آن نیستند، تحلیل کردند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، BGD خروجی‌های خود را به متخصصان و محافل دانشگاهی، با فیلم‌ها، جعبه ابزارها و غیره اختصاص داد. بخش پیوندهای وب سایت BGD شامل چند صد سازمان غیر دانشگاهی بود. علاوه بر این، نیمی از پایگاه داده برنامه (بیش از ۳۰۰۰ ورودی) مکاتبات غیر دانشگاهی بودند.

در تصویب عملی، BGD توجه ویژه‌ای به مشارکت شرکت‌کنندگان از موقعیت‌های فرعی در سیاست جهانی نشان داد. بنابراین، در تضاد کامل با سایر تحقیقات دموکراسی جهانی، این برنامه شامل کمک‌های مستقیم دالیتس، گروه‌های بومی، افراد رنگین پوست، افراد معلول، محافل LGBT +، کشورهای کوچک، کلاس‌های زیرین، ملت‌های شناخته نشده، ادیان مختلف، زنان و جوانان بود. به این ترتیب، BGD در روش خود برای مقابله با سلسله مراتب قدرت غالب که مانع دموکراسی جهانی است تلاش کرد.

به‌طور خلاصه، آزمایش BGD نشان داد که با سهولت عمدی، می‌توان تحقیق در مورد دموکراسی جهانی را به روش‌های مختلفی از آنچه که در گذشته رایج است، انجام داد. با تنوع، فرآیند تحقیق می‌تواند ورودی‌ها را از طیف گسترده‌ای از مناطق، فرهنگ‌ها، رشته‌ها، بخش‌ها و سایر مقوله‌های اجتماعی از خروجی‌های خود گرفته و به آنها

انتقال دهد. با اطمینان، دانش دموکراسی جهانی را می‌توان با آگاهی شدید از این تنوع و روابط قدرت مرتبط تولید کرد. با استفاده از پراکسیس، ایده‌های دموکراسی جهانی را می‌توان با نگرانی شدید درباره پیامدهای عملی این تصورات، فرموله کرد. با ترکیب تنوع، قابلیت اطمینان و عملی، روش تحقیق در مورد دموکراسی جهانی می‌تواند دموکراتیک‌تر شود، با دید بیشتر، دسترسی بیشتر، مشاوره بیشتر و پاسخگویی بیشتر در مقابل عموم مردم جهان.

### نقد و بررسی

انتقاد از دموکراسی به دوره دموکراسی‌های مستقیم و به یونان باستان برمی‌گردد. افلاطون و ارسطو به عنوان پیشگامان منتقد دموکراسی، آن را به دلیل اصالت دادن به حاکمیت مردم نفی می‌کردند و بر این باور بودند که مردم برای حاکمیت بر خویش باید تربیت شوند، در حالی که دموکراسی از تربیت سیاسی مردم ناتوان است. بر این مسأله دو اشکال وارد است: اول، اگر نظام لیبرال دموکراسی مبتنی بر مردم است، باید هرگونه تغییری را که مردم طالب آن‌اند بپذیرد، چه به استحکام آن بیانجامد یا نه! دوم، نظامی که ادعای برتری می‌کند نباید اشکالی داشته باشد که مردم را به سوی اصلاح و تغییر آن سوق دهد و نیز نباید مانع از تحقق خواست اجتماعی شود. نکته دیگر آن است که آنچه لیبرال دموکراسی را با سازش‌کاری اجتماعی پیوند می‌زند، در آرای انتخاباتی (مردم) نهفته است. آنچه بیش از هر چیز بحران‌های نظری لیبرال دموکراسی را تأیید می‌کند، ناکارآمدی آن نظریه در عرصه عمل است (شیرودی، ۱۳۸۳). تنزل لیبرال دموکراسی از بایسته‌های عقل‌گرایت اندیش، به هست‌های امیال نفسانی در تبیین حقوق و ارزش‌ها منجر به پیامدهایی شده است که مهم‌ترین آنها در عرصه رقابت سیاسی، مقید ندانستن رقابت‌های سیاسی به اصول و قواعد ارزشی پیشینی و مستقل از اراده فرد است. مقید نبودن رقابت سیاسی در لیبرال دموکراسی به این اصول، پیامدهای سوئی برای آن به دنبال داشته است. پذیرش آزادی به عنوان ارزش مطلق در مکتب لیبرالیسم، منجر به توجیه آموزه اساسی آن، یعنی حکومت محدود می‌شود. دموکراسی لیبرال، در مقابل این وسوسه که رأی برخی افراد جامعه از اعتبار و کیفیت برتری برخوردار است، از خود مقاومت نشان داده است. لیبرال دموکراسی براساس اومانیسیم که فرد انسان و خواسته‌های او را محور قرار می‌دهد نه انسانیت وی را، رقابت سیاسی را مقید به هیچ اصول ارزشی پیشینی نمی‌داند. رأی مخفی سازوکاری برای اعمال حق انتخاب آزادانه در لیبرال دموکراسی است. اما این سازوکار نیز اشکالی کارشکن همانند نقد مطرح شده در رضایت مردمی است. از نقدهای وارد بر تساهل مطرح در لیبرال دموکراسی از منظر معرفت‌شناسی، بر این اساس است که تحمل عقاید و نظرات متفاوت و متضاد می‌تواند بر مبنای شکاکیت و یا پلورالیسم مبتنی باشد.

نقد مطرح از این قرار است که تساهل حداکثری نظام سیاسی لیبرال دموکراسی نسبت به احزاب سیاسی کمترین قید را در راه رقابت سیاسی آنان می‌پذیرد (تقی‌لو، ۱۳۹۹). با طرح نظریه "پایان تاریخ" فرانسویس فوکویاما، متفکر ژاپنی الاصل آمریکایی، بار دیگر مباحث مربوط به فلسفه سیاسی تاریخ زنده شد؛ وی مدعی گردید لیبرال دموکراسی مکتب و نظام سیاسی پایان تاریخ است. از سوی دیگر، شیعه اثنی عشری نیز نظریه خاص خود را درباره «آخر الزمان» دارد و برخلاف فوکویاما «اسلام ناب محمدی» و «دولت حضرت مهدی (عج)» را ایدئولوژی و حکومت پایان تاریخ معرفی می‌کند. با وجود قدمت، پایداری و پیشروی تئوری آخرالزمان شیعه، در طول بیش از هزار سال، نظریه پایان تاریخ لیبرالیسم، به واقع فرضیه جدیدی است که جدال‌های فراوانی را برانگیخته و حتی خود فوکویاما نیز در مقاله «اگر دانش ژنتیک کنترل نشود انسان طبیعی به پایان خود می‌رسد» به نوعی تداوم تاریخ را پذیرفته است. نظریه پایان تاریخ لیبرالیسم از هم اکنون دچار مشکلاتی اساسی است، زیرا لیبرال دموکراسی، به بیان آندروولین در ذات

خود دچار تضاد است. این نظام، هرچند موفقیت‌های مادی فراوانی به دست آورده، ظلم‌های بی‌شماری را نیز در جهان سبب شده است (مظفری، ۱۳۹۲). عدم توانایی لیبرال دموکراسی در پاسخگویی به نیازهای اساسی بشر و مهار بحران‌های گسترده جوامع غربی، به خوبی مبین ناکارآمدی این نظریه است و طرح لیبرالیسم به عنوان پایان تاریخ بشریت و لزوم رهبری آمریکا بر جهان را به چالش فرا می‌خواند (محمدی، ۱۳۸۹). از آنجایی که تئوری‌های رایج اقتصاد توسعه، بر مبنای تفکر فایده‌گرایی و اصالت لذت بنا شده است، رشد اقتصادی در دیدگاه اقتصاددانان توسعه لیبرال دارای اهمیت خاص و از اولویت اول برخوردار است. رشد اقتصادی تنها به مفهوم تولید بیشتر کالا و خدمات در جامعه است. فایده‌گرایی، که به مفهوم لذت‌گرایی حسی است، مستلزم بهره‌مندی بیشتر از لذت حسی ناشی از مصرف کالا و خدمات است. بر اساس بینش لیبرالی، تولید بیشتر همواره مساوی مصرف بیشتر است و مصرف بیشتر نیز لذت بیشتر را به دنبال دارد. هر مقدار که مجموع کل لذتی که یک جامعه از آن بهره‌مند می‌شود بیشتر باشد، آن جامعه سعادتمندتر خواهد بود (ابوطالبی، ۱۳۹۱). لیبرال دموکراسی نوعی از حکومت است که در آن یک دولت دموکراتیک، برخی ویژگی‌های لیبرالیسم را پذیرفته است. برخی اندیشمندان سیاسی وجود پنج مؤلفه از ویژگی‌های لیبرال را برای نظام لیبرال دموکراسی ضروری می‌دانند: ۱- تأمین آزادی بیان ۲- تفکیک قوا و وجود پارلمان ۳- دولت حداقلی ۴- استقلال حوزه خصوصی ۵- منفعت عمومی (اخوان و سعادت‌لیلان، ۱۳۹۳). تکاپوی یک سده‌ای نخبگان آزادی‌خواه و استقلال طلب ایران از زمان شکست‌های تلخ ایران از روس‌ها، منجر به برآمدن مشروطه‌ای در ایران شد که به حق می‌توان در منظر علمی، آن را فرزند مام لیبرال دموکراسی در غرب دانست (زیباکلام و ابراهیمی خوجین، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد در قرن ۲۱ سؤالی با این عنوان که لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی، دولت رفاه یا دولت ژاندارم، هرچه بیشتر جای خود را به این می‌دهد که مصوبه اکثریتی موقت و محدود به حدود کشوری و ایالتی بگوید در این جامعه با این مختصات و این شرایط در موقعیت فعلی این نسبت از مالیات/ حمایت، این نسبت از قاعده‌مندی/ بی‌قید و بندی تولید و تجارت، کارسازتر است. یکی از علل کاهش تخصص و کارکرد احزاب سیاسی هم همین است. به نظر می‌رسد بازیابی موفقیت احزاب رقیب محتاج وداع با تبلیغ ارزش‌های متعارض و ارائه راهکار برای این باشد که ارزش‌های مشترک را به چه شکلی و با چه روشی می‌توان در این دنیای پیچیده اجرا کرد، کاری که البته آسان نیست (مردیها، ۱۳۹۹).

### ۳- نتیجه‌گیری

جهانی‌سازی معاصر و تغییرات اجتماعی مرتبط با آن، دموکراسی را که در اندیشه و عمل مدرن لیبرال شناخته می‌شود، تضعیف کرده‌اند. بنابراین با یک دانش، چگونه می‌توان انرژی سیاسی را برای تحول جسورانه قدرت مردم در سیاست جهانی پایدار و به‌طور مؤثر هدایت کرد؟ به‌طور دقیق‌تر، چگونه افراد و جامعه به‌طور کلی می‌توانند درباره پیچیدگی بیشتر جامعه و همبستگی که ناشی از اهریمنی‌های کثرت در سیاست جهانی است، به‌طور سازنده مذاکره کنند؟ چگونه می‌توان از بین بسیاری از اقدامات دموکراتیک غیرلیبرال موجود در سراسر جهان انتخاب کرد و سپس آنها را از نظر فرهنگی به هم پیوند داد، همچنین با لیبرالیسم دارای ویژگی‌های مثبت چگونه می‌توان با سلسله مراتب قدرت خودسرانه در سیاست جهانی به‌طور عاطفی برخورد و لغو کرد؟ به همین روی، با ارزیابی نقادانه و گذر زدن به ویژگی‌های عدالت جهانی پس از لیبرال، ابعاد جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی، توزیعی مانند اقتصاد، اکولوژیکی، جنسیتی و نژادی می‌توان ذهن را درگیر و حقیقت را جستجو کرد.

## ۴- منابع

- ✓ راعی، مسعود (۱۳۹۱). "رویکرد تطبیقی نظارت بر حکومت در اسلام و لیبرال دموکراسی"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره دهم، ۱۹۶-۱۷۱.
- ✓ کاظمی، علی اصغر و بوژمهرانی، حسن (۱۳۸۹). "بازسازی مناظره لیبرال‌ها و جماعت‌گرایان بر مبنای انتقادات سندل بر لیبرال دموکراسی"، مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۷، ۲۴-۱.
- ✓ پناهی، علیرضا و پولادی، کمال (۱۳۹۷). "مقایسه تطبیقی دموکراسی لیبرال و دموکراسی گفتگویی (رویکرد کشورهای غربی)"، فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، شماره سوم، ۱۶۱-۱۸۰.
- ✓ جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره و مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۵). "رویکرد تطبیقی به دلالت‌های تربیتی نظریه‌های دموکراسی، چالش میان نظریه‌های لیبرال، جماعت‌گرا و تفاهمی"، الهیات و معارف اسلامی، شماره ۷۱، ۶۴-۹.
- ✓ محمدی، علیرضا (۱۳۸۹). "درآمدی بر چالش‌های لیبرال دموکراسی"، معرفت، سال ۱۰۷-۱۰۱.
- ✓ رحیمی، غلامرضا (۱۳۹۴). "بررسی تطبیقی حقوق دولت بر ملت در نظام سیاسی اسلام و نظام لیبرال دموکراسی"، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۱، ۱۸۹-۲۰۷.
- ✓ غفاری چراتی، موسی؛ جعفرزاده، جعفر و شاکری اسکمی، محمد (۱۳۹۷). "دموکراسی و تثبیت لیبرالیسم"، دومین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان.
- ✓ شیروودی، مرتضی (۱۳۸۳). "لیبرال دموکراسی در بوته نقد"، مجله حصون، شماره ۲.
- ✓ تقی‌لو، داود (۱۳۹۹). "بررسی و نقد مبانی رقابت سیاسی در لیبرال دموکراسی"، حکومت اسلامی، سال ۲۵، شماره ۲، ۱۲۰-۱۴۰.
- ✓ مظفری، آیت (۱۳۹۲). "مطالعه تطبیقی نظریه «آخر الزمان» شیعه با نظریه «پایان تاریخ» لیبرالیسم"، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال ۱، شماره ۱، ۲۸-۱.
- ✓ ابوطالبی، مهدی (۱۳۹۱). "بررسی و نقد رهیافت هستی‌شناختی به دموکراسی و امکان‌پذیر نبودن مردم سالاری دینی"، مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۹.
- ✓ اخوان، طاهره و سعادت‌لیلان، سیروس (۱۳۹۳). "لیبرال دموکراسی"، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، ۳، ۱۴.
- ✓ زیباکلام، صادق و ابراهیمی خوجین، محمدتقی (۱۳۹۳). "دولت انگلستان و چرایی ترجیح نهایی اقتدارگرایی بر لیبرال دموکراسی در انقلاب مشروطه ایران"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ششم، شماره ۲۴، ۱۳۱-۱۰۱.
- ✓ مردیها، مرتضی (۱۳۹۹). "دولت رفاه و دوگانه‌ی سوسیال دموکراسی- لیبرال دموکراسی"، فصلنامه دولت پژوهی، شماره ۲۱، ۵۷-۲۹.
- ✓ Adamovsky, Ezequiel. 2012. Democracy and Global Redistribution: Reflections on Argentine Struggles against Neoliberalism. Paper for the Structural Redistribution for Global Democracy Project.
- ✓ Amoores, Louise (Ed.). 2005. The Global Resistance Reader. Abingdon: Routledge.
- ✓ Anievas, Alexander, et al. (Eds). 2015. Race and Racism in International Relations: Confronting the Global Colour Line. Abingdon: Routledge.

- ✓ Archibugi, Daniele, et al. (Eds.). 2012. *Global Democracy: Normative and Empirical Perspectives*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ✓ Ata, Sam, and Sitiveni Halapua. 2011. *Learning through Truth and Reconciliation Processes in the Solomon Islands*. Paper for the Learning for Global Democracy Project.
- ✓ Ayish, Muhammad I. 2011. *Satellite Television and Global Democratic Consciousness*. Paper for the Learning for Global Democracy Project.
- ✓ Backstrand, Karin. 2006. *Democratizing Global Environmental Governance? Stakeholder Democracy after the World Summit on Sustainable Development*. *European Journal of International Relations* 12(4): 467–498.
- ✓ Bedirhanoglu, Pinar. 2016. *Corruption of Anti-Corruption: Deconstructing Neoliberal Good Governance*. In *New Rules for Global Justice: Structural Redistribution in the Global Economy*, ed. Jan Aart Scholte, Lorenzo Fioramonti, and Alfred Nhema. London: Rowman & Littlefield International.
- ✓ Bohman, James. 2007. *Democracy across Borders: From Dêmos to Dêmoi*. Cambridge, MA: MIT Press.
- ✓ Bourdieu, Pierre, and Loic J.D. Wacquant. 1992. *An Invitation to Reflexive Sociology*. Chicago: University of Chicago Press.
- ✓ Bradlow, Benjamin, and Rose Molokoane. 2011. *Empowering the Urban Poor in Global Politics*. Paper for the Empowering the Margins in Global Politics Project.
- ✓ Bray, Daniel, and Steven Slaughter. 2015. *Global Democratic Theory: A Critical Introduction*. Cambridge: Polity.
- ✓ Brown, L. David. (ed.) (2001) *Practice-Research Engagement and Civil Society in a Globalizing World*. Cambridge, MA: Hauser Center for Nonprofit Organizations. <http://siter.esour.ces.worldbank.org/INTPC/ENG/1220158-1118058516777/20526704/D87D671E-CDE9-11D5-857B0002A56B5CBF.pdf>. Accessed 13 May 2019.
- ✓ Bu, Wei. 2011. *Including Children in Global Politics*. Paper for the Empowering the Margins in Global Politics Project.
- ✓ Cabrera, Luis. 2010. *The Practice of Global Citizenship*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ✓ Campbell Barr, Epsy. 2011. *Political Empowerment of Afro-Descendent Women*. Paper for the Empowering the Margins in Global Politics Project.
- ✓ Cordeiro Ferreira, Andrey, and João Pacheco de Oliveira Filho. 2011. *Empowering Indigenous Peoples in Global Politics: Experiences from Brazil*. Paper for the Empowering the Margins in Global Politics Project.
- ✓ Crédit Suisse. 2017. *Global Wealth Report 2017*. Zürich: Crédit Suisse Research Institute.
- ✓ Dahl, Robert A. 1999. *Can International Organizations Be Democratic? A Skeptic's View*. In *Democracy's Edges*, ed. I. Shapiro and C. Hacker-Cordon, 19–36. Cambridge: Cambridge University Press.
- ✓ De Sousa Santos, Boaventura (ed.). 2007. *Cognitive Justice in a Global World: Prudent Knowledges for a Decent Life*. Lanham: Lexington.
- ✓ De Wilde, Jaap. 2011. *The Mirage of Global Democracy*. *European Review* 19(1): 5–18.

- ✓ Della Porta, Donatella, and Nicole Doerr. 2011. Civic Learning in Social Forums: Democratic Education through Global Protest. Paper for the Learning for Global Democracy Project.
- ✓ Dryzek, John S. 2006. *Deliberative Global Politics*. Cambridge: Polity.
- ✓ El-Ghazali, Abdel Hamid Hasan. 2001. *The Way to the Revival of the Muslim Ummah*. Cairo: Al-Falah Foundation.
- ✓ Eschle, Catherine. 2001. *Global Democracy, Social Movements, and Feminism*. Boulder: Westview.
- ✓ Fedatova, Valentina. 2016. Structural Redistribution through Global Social Democracy. In *New Rules for Global Justice: Structural Redistribution in the Global Economy*, ed. Jan Aart Scholte, Lorenzo Fioramonti, and Alfred Nhema. London: Rowman & Littlefield International.
- ✓ Ford-Smith, Honor. 2011. Letters from the Dead: Pedagogies of Performance and Transnational Democracy. Paper for the Learning for Global Democracy Project.
- ✓ Fukuyama, Francis. 1992. *The End of History and the Last Man*. New York: Free Press.
- ✓ Geist, Michael. 2012. The Internet Fights Back. Paper for the Structural Redistribution for Global Democracy Project.
- ✓ Ghani, Gairuzazmi M. 2011. Including Islamic Finance in the Global Economy. Paper for the Empowering the Margins in Global Politics Project.
- ✓ Giddens, Anthony. 1984. *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*. Cambridge: Polity.
- ✓ Gleckman, Harris. 2018. *Multistakeholder Governance and Democracy: A Global Challenge*. Abingdon: Routledge.
- ✓ Gudynas, Eduardo. 2011. *Buen vivir Germinados alternativas al desarrollo*. Quito: ALAI.
- ✓ Guerrero, Dorothy Grace. 2016. Global Redistribution through Climate Justice. In *New Rules for Global Justice: Structural Redistribution in the Global Economy*, ed. Jan Aart Scholte, Lorenzo Fioramonti, and Alfred Nhema. London: Rowman & Littlefield International.
- ✓ Halapua, Sitiveni, and Peau Halapua. 2010. Global Democracy as Talanoa: A Pacific Perspective. Paper for the Conceptualising Global Democracy Project.
- ✓ Hall, Nina, and Inge Kaul. 2016. Financing Global Public Goods: The Case for a Currency Transaction Levy. In *New Rules for Global Justice: Structural Redistribution in the Global Economy*, ed. Jan Aart Scholte, Lorenzo Fioramonti, and Alfred Nhema. London: Rowman & Littlefield International.
- ✓ Hallstrom, Kristina T., and Magnus Bostrom. 2010. *Transnational Multi-Stakeholder Standardization*. Cheltenham: Elgar.
- ✓ Held, David, and Heikki Patomaki. 2006. Problems of Global Democracy: A Dialogue. *Theory, Culture & Society* 23(5): 115–133.
- ✓ Keohane, Robert O., et al. 2009. Democracy-Enhancing Multilateralism. *International Organization* 63(1): 1–31.
- ✓ Kumar, Vivek. 2011. A Question of Caste: Including Dalits in Global Politics. Paper for the Empowering the Margins in Global Politics Project.
- ✓ Kwa, Aileen. 2012. A Trading System that Serves People and Development. Paper for the Structural Redistribution for Global Democracy Project.



- ✓ Lander, Edgardo. 2010. The Decolonisation of Global Democracy. Paper for the Conceptualising Global Democracy Project.
- ✓ Liu, Taoxiong, and Mendang Huang. 2016. An Alternative Global Money: Special Drawing Rights or Bitcoin? In *New Rules for Global Justice: Structural Redistribution in the Global Economy*, ed. Jan Aart Scholte, Lorenzo Fioramonti, and Alfred Nhema. London: Rowman & Littlefield International.
- ✓ Maldonado, Maria Tereza. 2009. *Florestania: A cidadania dos povos da floresta*. 6th ed. Sao Paulo: Saraiva.
- ✓ McCall, L. 2005. The Complexity of Intersectionality. *Signs* 30(3): 1771–1800.
- ✓ McKeon, Nora. 2011. Empowering Peasants in Global Politics. Paper for the Empowering the Margins in Global Politics Project.
- ✓ Milanovic, Branko. 2009. *Global Inequality Recalculated*. Washington: World Bank Policy Research Working Paper 5061.
- ✓ Miller, David. 1995. *On Nationality*. Oxford: Oxford University Press.
- ✓ Mohammed, Patricia. 2010. Gender Politics and Global Democracy: Insights from the Caribbean. Paper for the Conceptualising Global Democracy Project.
- ✓ Moravcsik, Andrew. 2004. Is There a ‘Democratic Deficit’ in World Politics? A Framework for Analysis. *Government and Opposition* 39(2): 336–363.
- ✓ Mostafa, Nadia. 2010. towards an Islamic Perspective on Global Democracy. Paper for the Conceptualising Global Democracy Project.
- ✓ Mullings, Beverley, and Alissa Trotz. 2016. Engaging the Diasporas: An Alternative Paradigm from the Caribbean. In *New Rules for Global Justice: Structural Redistribution in the Global Economy*, ed. Jan Aart Scholte, Lorenzo Fioramonti, and Alfred Nhema. London: Rowman & Littlefield International.
- ✓ Musamba, Charity. 2015. Cultural Diversity and Democratic Global Cooperation: A Perspective from Africa. In *Global Cooperation through Cultural Diversity: Remaking Democracy?*, ed. Jan Aart Scholte. Duisburg: Centre for Global Cooperation Research (Global Dialogues 8).
- ✓ Mwatha, Regina Gathoni. 2010. Gender Empowerment and Global Democracy: Experiences from Kenya. Paper for the Conceptualising Global Democracy Project.
- ✓ Nizamova, Liliya. 2011. Supranational Empowerment of National Minorities: Tatars and Tatarstan in Global Politics. Paper for the Including the Excluded in Global Politics Project.
- ✓ Oommen, T. K. 2011. From Hierarchy to Equality in Global Studies. Paper for the Learning for Global Democracy Project.
- ✓ Patomkani, Heikki. 2011. towards Global Political Parties. *Ethics & Global Politics* 4(2): 81–102.
- ✓ Posner, Paul L. 2009. The Pracademic: An Agenda for Re-Engaging Practitioners and Academics. *Public Budgeting and Finance* 29 (1): 12–26.
- ✓ Raymond, Mark, and Laura DeNardis. 2015. Multistakeholderism: Anatomy of an Inchoate Global Institution. *International Theory* 7(3): 572–616.
- ✓ Reason, Peter, and Hilary Bradbury (Eds.). 2008. *The SAGE Handbook of Action Research: Participative Inquiry and Practice*. London: SAGE.
- ✓ Rio. 2011 Workshop evaluation form completed by a participant in the Empowering the Margins in Global Politics project, April 2011.
- ✓ Scheper-Hughes, N. 1995. The Primacy of the Ethical: Propositions for a Militant Anthropology. *Current Anthropology* 36(3): 409–420.

- ✓ Scholte, Jan. Aart (2020). "After Liberal Global Democracy: New Methodology for New Praxis", *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, 13: 67-92.
- ✓ Scholte, Jan Aart. 1993. *International Relations of Social Change*. Buckingham: Open University Press.
- ✓ Scholte, Jan Aart. 2004. *Democratizing the Global Economy: The Role of Civil Society*. Coventry: Centre for the Study of Globalisation and Regionalisation.
- ✓ Scholte, Jan Aart. 2005. *Globalization: A Critical Introduction*. 2nd ed. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- ✓ Scholte, Jan Aart. 2014. *Reinventing Global Democracy*. *European Journal of International Relations* 20(1): 3–28.
- ✓ Scholte, Jan Aart (ed.). 2015. *Global Cooperation through Cultural Diversity: Remaking Democracy?*. Duisburg: Centre for Global Cooperation Research (Global Dialogues 8).
- ✓ Scholte, Jan Aart. 2019. *Democracy*. In *Oxford Handbook of Global Studies*, ed. Mark Juergensmeyer, Saskia Sassen, and Manfred Steger, 431–454. Oxford: Oxford University Press.
- ✓ Scholte, Jan Aart (ed.) (forthcoming) *Global Voices, Global Democracy* (in preparation).
- ✓ Scholte, Jan Aart, Lorenzo Fioramonti, and Alfred Nhema (Eds.). 2016. *New Rules for Global Justice: Structural Redistribution in the Global Economy*. London: Rowman & Littlefield International.
- ✓ Shiva, Vandana. 2005. *Earth Democracy*. Boston, MA: South End.
- ✓ Sichone, Owen. 2011. *Learning Globalism: Opposing Xenophobia in Post-Apartheid South Africa*. Paper for the Learning for Global Democracy Project.
- ✓ Singh, Ramjee. 2010. *A Plea for Global Democracy*. Paper for the Conceptualising Global Democracy Project.
- ✓ Smith, Jackie, et al. 2007. *The World Social Forums and the Challenge of Global Democracy*. Boulder: Paradigm.
- ✓ Smith, Will, and James Brassett. 2008. *Deliberation and Global Governance: Liberal, Cosmopolitan, and Critical Perspectives*. *Ethics & International Affairs* 22(1): 69–92.
- ✓ Sohng, Sue S.L. 1997. *Participatory Research Approaches: Some Key Concepts. Participatory Research and Development for Sustainable Agriculture and Natural Resource Management: A Sourcebook*, 62–64. Ottawa: International Development Research Centre.
- ✓ Stevenson, Hayley, and John Dryzek. 2014. *Democratizing Global Climate Governance*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ✓ Stewart-Harawira, Makere. 2011. *Indigenous Ways of Being and Post-Imperial Global Learning*. Paper for the Learning for Global Democracy Project.
- ✓ Strauss, Andrew L. 2005. *Taking Democracy Global: Assessing the Benefits and Challenges of a Global Parliamentary Assembly*. London: One World Trust.
- ✓ Tandon, Yash. 2016. *Rethinking Global Investment*. In *New Rules for Global Justice: Structural Redistribution in the Global Economy*, ed. Jan Aart Scholte, Lorenzo Fioramonti, and Alfred Nhema. London: Rowman & Littlefield International.
- ✓ Tannsjo, Torbjorn. 2008. *Global Democracy: The Case for a World Government*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

- ✓ Vainer, Carlos, and Flavia B. Vieira. 2011. From the Valleys to Global Forums: Learning for Action in Rural Movements of Brazil. Paper for the Learning for Global Democracy Project.
- ✓ Vance, Kim. 2011. Raising Our Voices: Opening Global Spaces for Sexual and Gender Minorities. Paper for the Including the Excluded in Global Politics Project.
- ✓ Vartanova, Elena. 2011. Digital Citizens and Media Literacy for Global Democracy. Paper for the Learning for Global Democracy Project.
- ✓ Weber, Heloise. 2016. From Land Grabs to Food Sovereignty. In *New Rules for Global Justice: Structural Redistribution in the Global Economy*, ed. Jan Aart Scholte, Lorenzo Fioramonti, and Alfred Nhema. London: Rowman & Littlefield International.
- ✓ Williams, Melissa. 2010. Linking Fates Together: Democratic Imaginaries and Global Public Space. Paper for the Conceptualising Global Democracy Project.
- ✓ Xu, Jiajung, Ma Ben, and Peng Zongchao. 2010. Cooperative-Harmonious Global Democracy from the Perspective of Chinese Culture. Paper for the Conceptualising Global Democracy Project.
- ✓ Yang, Xuedong. 2014. Bottom-Line Thinking and Transculturalism. Paper for the Global Democracy through Cultural Diversity Project.
- ✓ Yuval-Davis, N. 2011. *The Politics of Belonging: Intersectional Contestations*. London: Sage. Zhu, Jiangang. 2011. Global-Local Learning in Civil Society: The Huangpu NGO Capacity Building Programme. Paper for the Learning for Global Democracy Project.